

◆◆ افتتاح گودکشتی فردوسی در دهه ۴۰

بعد از ماجرای قتل و تعطیلی گودکشتی باچوخه فردوسی، محمد رحیمی همراه چند نفر از پهلوانان، گودکشتی دیگری در محله میل کاریز (ابوطالب) راه انداختند؛ خانواده ما کشاورز بودند. مادر ایام تابستان، میوه ها و محصولات تولیدی در مزرعه را بارگاری می کردیم و از مسیر میل کاریز برای فروش به شهر می رفتیم. در آن زمان هنوز خیابان قرنی ساخته نشده بود. مسیر اصلی روستاهای جاده قدیم قوچان به شهر همان خیابان خاکی محله میل کاریز بود. گاهی که میوه ها را زودتر از موعد به علاف ها که عمده فروش های میوه و محصولات کشاورزی بودند، می فروختیم چند ساعتی وقت داشتیم. در بین این میوه فروشان که هر کدام از یک روستا آمده بودند، با جوانی به نام صفر سروری که از اهالی روستای اسماعیل آباد بود، آشنا شدم. این جوان هم مثل خود عاشق کشتی بود.

او ادامه می دهد: در مسیر جاده میل کاریز، دو کارخانه آرد وجود

داشت. بیشتر کسانی که میوه ها و محصولات خود را فروخته بودند، بعد از رسیدن به فضای باز اطراف این کارخانه برای استراحت توقف می کردند. هر کسی مشغول به کاری می شد. من و صفر چون عاشق کشتی بودیم، با هم دوستانه کشتی می گرفتیم. بقیه جوان ها هم ما را تشویق می کردند. این ماجرا بارها تکرار شد و تعدادی از کشتی گیران جوان محلات جاده قدیم نیز با ما همراه شدند. عده ای هم ما را تشویق کردند. به تدریج این محل سر و شکل گودکشتی به خود گرفت و اسم و آوازه ای پیدا کرد.

به گفته رحیمی، تعدادی از جوانان کشتی گیر مثل پهلوان احمد وفادار و عباس گلمکانی که تقریباً هم سن و سال آن ها بودند و بعد ها جزو کشتی گیران تراز اول استان شدند، کشتی را در این محل شروع کردند. جایزه نفر اول یک قران و نفرات بعدی نیم قران و حتی کمتر بود. این اولین گودکشتی باچوخه در مشهد بود که به صورت هفتگی در روزهای جمعه در آن مسابقه برگزار می شد.

◆◆ آغاز مربیگری در میدان های کشتی

محمدرحیمی بعد از بازگشایی سالن کشتی در مجموعه ورزشی مهران در خیابان آخوند خراسانی کشتی را کنار گذاشت و به عنوان سرپرست تیم کشتی باچوخه در برگزاری مسابقات و اعزام تیم به مسابقات در استان و کشور نقش بسیار مهمی ایفا کرد؛ بعد از اینکه از میدان های کشتی کناره گیری کردم، مسئولان وقت هیئت کشتی استان از من دعوت به همکاری کردند تا به عنوان سرپرست تیم کشتی باچوخه اعضای تیم را رهبری کنم. برای این کار باید از بهترین جوانان برگزیده تیم تشکیل می دادم و آن ها را برای حضور در مسابقات آماده می کردم.

از نظر رحیمی سرپرستی تیم مسئولیت بسیار سختی بود؛ انتخاب بهترین ها برای تیم کشتی با توجه به وجود این همه استعداد به دقت و وسواس خاصی نیاز داشت. از طرف دیگر با توجه به آشنایی و ارتباطی که در طول سال ها با پهلوانان و پیشکسوتان این ورزش داشتم، بعضی ها این انتظار را داشتند که پهلوانی را که معرفی می کنند، برای اعزام و حضور در مسابقات انتخاب کنم. اما من این روش را قبول نداشتم و در کنار سوابق کاری و پهلوانی هر کشتی گیر، چند امتحان عملی هم از آمادگی جسمانی و روی فرم بودن هر فرد می گرفتم و بعد از موفقیت در این آزمون، بهترین فرد را انتخاب می کردم و او اجازه داشت در مسابقات شرکت کند.

محمدرحیمی در زمان مسابقات کشتی با قرار گرفتن در کنار گود، دستورات لازم برای موفقیت و چگونگی غلبه بر حریف را به شاگردانش می داد؛ در یکی از همین مسابقات که عضو تیم کشتی باچوخه مشهد توانست از راهنمایی های من استفاده کند و حریف را شکست دهد، طرفداران تیم مقابل که پهلوان خود را شکست خورده می دیدند، حسابی عصبانی شدند. چند نفر از طرفداران با فحاشی قصد ورود به گود کشتی و تنگ زدن را داشتند، اما ما مأموران انتظامات گود اجازه ورود به آن ها را ندادند. در همین گیر و دار ناگهان احساس کردم شیء سنگینی به سرم خورد. دستم را که پشت سرم گذاشتم، متوجه

شدم خون زیادی از سرم راه افتاده است. جلو پایم را که نگاه کردم، تکه آجری دیدم و فهمیدم چه شده است. رحیمی در دوره ای که سرپرست تیم کشتی باچوخه بود، علاوه بر برگزاری مسابقات در شهر های مختلف استان خراسان بزرگ، برای معرفی بهتر این رشته به مردم کشورمان، دوره هایی از این مسابقات را در استان های دیگر برگزار کرد. اومی گوید: مسابقات کشتی باچوخه شهر گردیکی از این دوره های خارج از استان خراسان بزرگ بود که در معرفی کشتی باچوخه به عنوان کشتی محلی خراسان به کشتی گیران و دوستان این رشته تأثیر بسیاری داشت.

در این دوران، محمدرحیمی به عنوان سرپرست تیم کشتی باچوخه برای ثبت این رشته در مجمع بین المللی ورزش های بومی و محلی تلاش کرد. اومی گوید: البته این تلاش در آن زمان به نتیجه نرسید و بعد ها در زمان برگزاری مسابقات کشتی باچوخه در گودکشتی مهدی آباد، نمایندگانی از سازمان فرهنگی جهانی یونسکو و فیلا (فدراسیون جهانی کشتی) از این کشتی اصیل و باریشه دیدن کردند و مراحل بعدی برای ثبت جهانی آن به نام ایران ادامه پیدا کرد.

◆◆ از راه اندازی گود کشتی مهدی آباد تا تعطیلی

محمدرحیمی هجده سال پیش با کمک چند نفر از دوستان این کشتی باچوخه و پهلوانان این رشته ورزشی، گودکشتی مهدی آباد را راه اندازی کرد. اومی گوید: بعد از تعطیلی گود پل روس ها یا همان فردوسی تلاش هایی برای احیای دوباره گود های کشتی باچوخه صورت گرفت. گود روستای کوشک مهدی، چهار برج، پنج تن و فردوسی چند سالی فعال بود اما همان طور که گفتم، این حرکت ها موقتی بود و دوام چندانی نداشت، چون از چهار چوبی محکم و منظم برخوردار نبود. در آن دوره، راه اندازی دوباره یک گودکشتی با همان حال و هوای پرهیجان و حضور باشکوه دوستان این کشتی باچوخه به دغدغه مهم زندگی آقای رحیمی تبدیل

شده بود؛ متوجه شدم که افراد دیگری نیز هستند که چنین دغدغه ای دارند. بالاخره در سال ۱۳۸۵ گود کشتی مهدی آباد با کمک جواد شافعی، حسین ملایی و حاج صفر سروری افتتاح شد. بعد ها پهلوان حسین زارع، اکبر مرتضوی، حسن و احمد قادر آبادی، مهدی و مجید چراغ، ناصر نیک سرشت، جواد کدخدایی، پهلوان قربان خراسانی، بهروز پرهیزگار عضو تیم ملی کوراش، علی مرادی، صادق بزنجانی و تعداد دیگری از پهلوانان و پیشکسوتان کشتی باچوخه مشهد و استان با حمایت های مادی و معنوی شان بر ماندگاری این گودکشتی تأثیر گذاشتند.

به گفته این پیشکسوت کشتی، بعد از چند سال و در زمان اوج مسابقات کشتی بین سال های ۱۳۹۰ تا ۱۳۹۵ جمعیت تماشاگران به بیش از ۵ تا ۶ هزار نفر می رسید، به طوری که حتی جای پارک برای موتور ها و خودرو ها پیدانی شد. نیروی انتظامی، راهنمایی و رانندگی و قوه قضائیه نیز با جدیت و پشتکار، نظم و امنیت این جمعیت چند هزار نفری را که هر روز عصر جمعه در گود مهدی آباد جمع می شدند، برعهده داشتند. او ادامه می دهد: خوشبختانه در این سال ها هیچ گونه اتفاقی که محل نظم و آسایش مسابقات باشد، رخ نداد. همه امور مانند اهدای جوایز، برنامه ساز و دهل و حتی داوری های مسابقات توسط مردم و پهلوانان مردمی انجام می شد. این نظم و قانون برای من که سال ها در گود های کشتی به عنوان کشتی گیر، داور، مربی و حتی انتظامات حضور داشتم، بی نظیر و تکرار نشدنی بود.

رحیمی در ادامه می گوید: جوانان و پهلوانان بزرگی مانند جواد محبوب، علی پرهیزگار، جبار غلامی از داخل همین گود مهدی آباد کشتی را شروع کردند و تا عضویت تیم ملی ادامه دادند. در بیش از هفتاد سال همراهی با کشتی چوخه، گودی به بزرگی، شهرت و محبوبیت گود کشتی مهدی آباد ندیدم، اما افسوس که با شروع کرونا همه چیز تغییر کرد و این جمع دوستانه از هم پاشید.

محمدرحیمی در کنار گود کشتی تعطیل شده مهدی آباد



◆◆ تنها آرزوی یک پیشکسوت کشتی

محمدرحیمی که عمر خود را صرف برگزاری و زنده نگه داشتن مسابقات و راه اندازی و حفظ گود های کشتی باچوخه مشهد کرده است، این روز ها حال خوبی ندارد و دل شکسته است. اومی گوید: درست است که پیر شده ام و به خاطر کهولت سن مدام پادرد دارم، اما هنوز هم شور و حال یک کشتی گیر و تماشاچی مشتاق کشتی باچوخه را در وجودم دارم؛ البته از زمانی که گودکشتی مهدی آباد تعطیل شده. دیگر دل و دماغی برایم نمانده است. انگار عزیز از دست داده ام. هر چند با رفتن به گودکشتی طلب و تماشا می مسابقات، دلم را خوش می کنم و کمی آرام می شوم. گودکشتی مهدی آباد چیز دیگری بود. شب ها در خواب و خیال، راه اندازی دوباره گودکشتی و صدای تشویق های چند هزار نفری تماشاگرانی را که دور تا دور گودکشتی ایستاده اند، تصور می کنم. محمدرحیمی زیر لب می گوید: نمی دانم آن قدر زنده می مانم که افتتاح دوباره این گود را ببینم یا نه. گاهی که پهلوان های جوان و برخاسته از همین گود در باره سرنوشت و احیای گودکشتی از من سؤال می کنند. احساس شرم دارم و نمی دانم چه جوابی به آن ها بدهم.

این بزرگ ترین آرزوی تنها پیشکسوت و پهلوان باقی مانده از نسل طلایی کشتی گیران باچوخه خراسان و پهلوانانی چون احمد وفادار و عباس گلمکانی است.

رحیمی این روز ها چشم انتظار بازگشایی مجدد گودکشتی مهدی آباد است. گودی که او یکی از بانیان راه اندازی اش بوده است. متولیان آستان قدس رضوی با وعده بازسازی، این گود را از ابتدای دوره کرونا تعطیل کردند. سال گذشته، مقامات آستانه با پیشکسوتان در این زمینه گرد هم آمدند. هنوز خبری از بازگشایی نیست اما پیشکسوتان هنوز چشم انتظارند.

